

چند پیشگی مشکل خانواده‌های شهری

مهری حقانی

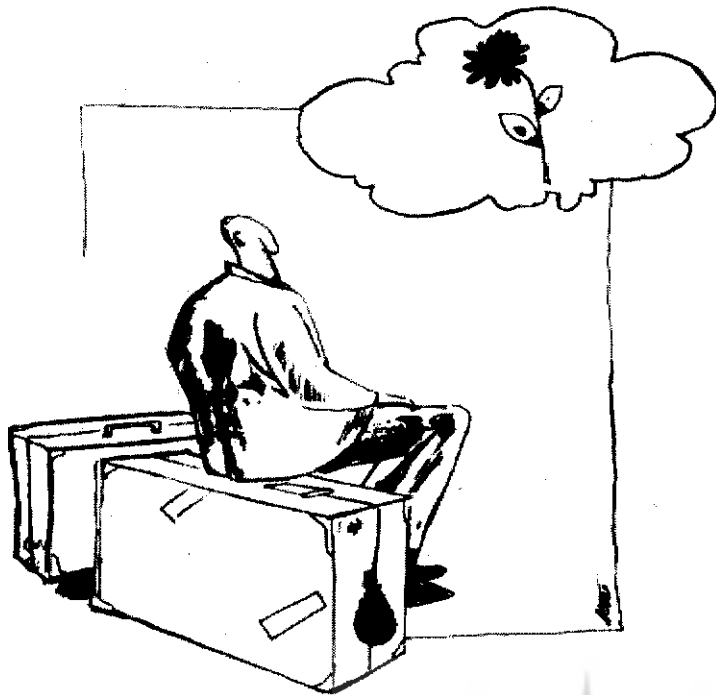
□ چند پیشگی پس از سال‌ها به عادت مردان و حتی زنان خانواده‌های شهری تبدیل شده است

انطباق در زندگی شهری برای طبقات مختلف ساکن در آن به یک شیوه صورت نمی‌گیرد. ۲ طبقه ثروتمندان و فقرا، از اعضا ثابت اشکال جدید شهرهای مدرن به ویژه تهران از دهه‌های پیش بوده است. سایش این دو نیروی عمده ساکن در ۲ سر این طیف، با ریزش جمعیتی - طبقات میانی روبرو بود. طبقه میانی نه به آن معنای طبقه متوسط شهری یا قشر بورژوا، بلکه طبقه‌ای که بین داشتن و نداشتن با آغاز پرونده کار روزانه، یک پا در این شغل

و یک پا در شغل دیگر دو می‌زند. غافل از آنکه اوقات فراغت، کارکرد عاطفی خانواده، تغذیه، آموزش نیازهای عاطفی افراد و حتی بزرگترین بهانه و علت این دوندگی پیش نیازهای اقتصادی در این میان به حراج می‌روند. چند پیشگی پس از سال‌ها به عادت مردان و حتی زنان خانواده‌های شهری تبدیل شده است. اما بیشتر به یک سوء هاضمه همیشگی تبدیل شده است. این عدم توانایی برقراری توازن بین درآمدها و هزینه زندگی است که دستگاه گوارش اقتصادی بحسب بزرگی از شهرنشینان ساهاست از آن رنج می‌برد. مشاغلی که از کمترین میزان بهره‌وری برخوردارند، از این سو به آن سوی شهر و از سپیده صبح تا پاسی از شب از شهروندان، دوندگانی همیشگی و ناراضی‌تمند ساخته است.

نتایج یک تحقیق میدانی در تهران نشان می‌دهد، رقم قابل توجهی از نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی، حداقل دو و حداکثر ۳ فرصت شغلی را اشغال کرده‌اند. با وجود این تطابق نداشتن و ناهماهنگی بین هزینه‌ها و درآمدهای ناشی از یک فرصت شغلی، مهمترین دلیل گرایش افراد به چندپیشگی است. به یقین این فرایند طبیعی این

پاسخ افراد به نیازهای مالی فردی و خانوادگی شان است. به عبارت دیگر تامین نیازهای مالی، مهم‌ترین محرکی است که نان‌آوران خانواده را به سوی چند پیشگی ترغیب و هدایت می‌کند. در سال‌های اخیر دیدن چهره انسانهایی که از سپیده صبح تا پاسی از شب در اداره یا کارخانه، پشت فرمان اتومبیل یا پیشخوان مغازه، برای تامین مخارج سنگین زندگی، روزهای تکراری را پشت سر می‌گذارند عادی شده است. آنان برای گذران زندگی و پرداخت هزینه‌های گزاف زندگی، هر روز را با اعمال شاقه به شب می‌رسانند. بی‌آنکه به مفهوم واقعی زندگی، رفاه و آرامش برسند. بر اساس تحقیقات علمی کارشناسان مسایل اجتماعی، فرزندان خانواده‌هایی که اوقات بیشتری را در کنار هم می‌گذرانند و سه وعده غذایی اصلی را با هم صرف می‌کنند، در مقابل فرزندان خانواده‌هایی که اعضایشان فقط یک وعده غذا را در کنار هم صرف می‌کنند در شرایط مساوی هوش، طبقه اجتماعی، از ضرایب بالای یادگیری و توانمندیهای تحصیلی برخوردارند. دور شدن افراد خانواده از یکدیگر بر اثر فشارهای اقتصادی و اجتماعی مشکلات عدیده رفتاری و روانی را نیز به دنبال دارد. در چنین شرایطی اعضای خانواده هر روز نسبت به روزهای قبل



پراکنده‌تر و سردتر می‌شوند و تنها نقطه مشترک در خانه آنان سقفی است که شب را در زیر آن به صبح می‌رسانند، بدون اینکه همدیگر را ببینند، بفهمند یا درک کنند.

تحقیقات اجتماعی کارشناسان بیانگر آن است که آغاز سناریوی این جدایی و سرد شدن عاطفه همزمان با دوری پدر و نان‌آور خانواده کلید می‌خورد. زیرا او برای متعادل کردن دخل و خرج خانه و زندگی به خود حق می‌دهد دیگر اعضای خانواده به خاطر دوری او هیچ شکایتی نداشته باشند. هنگامی که شکایت‌ها بالا گرفت با پرداخت رشوه آنان را ساکت می‌کند. آنچه در این سال‌ها در میان بسیاری از خانواده‌های ما گم شده، مفهوم واقعی زندگی است.

توسعه صنعتی، ماشینی شدن زندگی در شهرها، افزایش توقعات اعضای خانواده، تامین

بهره‌وری هنگامی که به انگیزه کسب درآمد باشد در حد صفر است.

اشتغال جوانان و بیکاران جامعه را نیز کم رنگ می‌کنند. وی در عین حال با اشاره به وضعیت زندگی در

کشورهای پیشرفته می‌گوید در اغلب این کشورها فرزندان هنگامی که به سن بلوغ می‌رسند مجبور می‌شوند برای تامین مخارج زندگی خود کار کنند. به همین خاطر عده‌ای از آنان به محض رسیدن به این سن از خانواده جدا می‌شوند. ولی این روند در ایران کاملاً معکوس است. یعنی با افزایش سال‌های تحصیل، هزینه‌های زندگی فرزندان نیز روی مخارج سنگین خانواده افزوده می‌شود و پدر و مادر مجبور می‌شوند برای تامین نیازهای آنان چند شغله بودن را پیشه کنند. به همین خاطر نیز راههای اشتغال جوانان مسدودتر می‌شود. به اعتقاد این جامعه شناس، چند شغله بودن عمر انسان‌ها را کاهش می‌دهد و کارکردن در ایام فراغت تزلزل‌های عمده و گسترده فکری، فرهنگی، اجتماعی و روانی برای تک تک افراد به همراه دارد. به همین خاطر نیز در کشورهای پیشرفته، نظارت و کنترل دقیقی بر تمامی جوانب زندگی افراد صورت می‌گیرد و اغلب افراد از چند پیشگی محرومند. بروز ناهنجاری‌های

مخارج زندگی، انواع چشم و هم چشمی‌ها و... به گسترش هر چه بیشتر حالت از خود بیگانگی و تبدیل انسانها به ابزار و ماشین‌های پولساز انجامیده است. چند پیشگی مدت زیادی است به طور کاملاً محسوسی در جامعه ما فراگیر شده و قسمت اعظم این گروه را کارمندان کم درآمد تشکیل می‌دهند. افرادی که درآمد شغل اولشان کفاف خواسته‌ها و نیازهای زندگی‌شان را نمی‌دهد و آنان را مجبور می‌کند برای پر کردن چاله‌های کوچک و بزرگ زندگی هر روز بی‌انگیزه و پر دغدغه توأم با حالت‌های عصبی و فشارهای روحی، روانی کار کنند.

امین معتزلی فوق لیسانس جامعه شناسی مهم‌ترین عامل افزایش چندپیشگی در کشور را به اقتصاد بیمار تک محصولی کشور منتسب می‌کند و معتقد است همین امر عامل اصلی افزایش بیکاری جوانان نیز به شمار می‌رود. زیرا افراد چند شغله که محکوم به تامین مخارج زندگی خود هستند، با اشتغال فرصت‌های شغلی امکان فراهم شدن زمینه برای

مختلف اجتماعی، معضلات گوناگون رفتاری و گفتاری برای نوجوانان و جوانان، گرایش به بی‌بند و باری‌های اجتماعی، ایجاد شکاف‌های بزرگ در نهاد خانواده‌ها، افزایش طلاق و بروز انواع جرایم خرد و کلان از جمله پیامدهای چندپیشگی است. با رشد چندپیشگی در جامعه و کمبود وقت در انتقال عواطف و نیازهای روحی، خانواده نیز کارکردهای اصلی خود را در نشو و پرورش فرزندان از دست می‌دهد.

با این حال باید دانست چند پیشگی زائیده اقتصاد بیماری است که قادر به تامین امنیت شغلی اقشار مختلف به ویژه متوسط یا کم درآمد نیست. عدم توازن در تقسیم ثروت و در برخی مواقع گسترش روحیه زیاده طلبی است.

از سوی دیگر چندپیشگی بدون تخصص همچون آفتی است که زندگی شهری را در پنجه خود گرفته است. بهره‌وری هنگامی که تنها انگیزه کسب درآمد باشد در حد صفر است. اضافه کاری بر مبنای به پایان آمدن ساعت کاری خود به وجود آورنده شغل‌های مختلف حرفه‌ای است و یا تقسیم انرژی برای ۲ یا ۳ شیفت کاری عملاً از بهره‌وری یا انگیزه مقرون به نتیجه می‌کاهد.